



شیخ محمد عبده

9

نظریه اعجاز



فاطمه ناموری راد
کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

شیخ محمد عبده (۱۳۲۳-۱۲۶۶ ه. ش)، یکی از برجسته‌ترین عالمان و مفسران و نیز، آغازگر نهضت‌های اصلاحی در عالم اسلام است. اندیشه تابناک وی، سراسر عالم اسلام، از جمله، مصر و هند و ایران و مراکش و سایر سرزمین‌های اسلامی را تحت الشعاع خود قرار داده است. بسیاری از روشنفکران مسلمان، تحت تاثیر افکار عمیق و شخصیت نافذ او قرار گرفته‌اند. اصول و عقاید وی در نگاه کلی عبارت است از بازگشایی باب اجتهاد در مسائل اجتماعی، اعتقاد به اختیار در جهت ایجاد مسؤلیت اجتماعی، مقدم بودن اصلاحات فرهنگی بر اصلاحات سیاسی، علاقه مندی فراوان به تقریب بین مذاهب اسلامی به ویژه شیعه و سنی. *رسال جامع علوم انسانی*

تفسیر المنار، برجسته‌ترین اثر شیخ و در حقیقت آینه تمام نمای عقاید شیخ می‌باشد. در این مقاله، کوشیده‌ایم تا ضمن معرفی شیخ و آثار و افکار او، آرای تفسیری اش درباره مساله اعجاز را مورد کاوش قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: عبده، رشید رضا، تفسیر المنار، اعجاز، تحدی، بلاغت، امیت.

شرح حال شیخ محمد عبده

محمد عبده، در سال ۱۲۶۶ هجری قمری، در یکی از روستاهای غرب مصر، واقع در استان بحیره و در محله نصر، دیده به جهان گشود.

پدرش «عبده»، کشاورزی از طبقه متوسط بوده و از رفاه و ثروت نسبی برخوردار بود. محمد تا سن ده سالگی، از نعمت آموختن دانش محروم بود. اما، بعد از آن در خانه پدری، خواندن و نوشتن را فرا گرفت و سپس به حفظ کل قرآن پرداخت. وی، به یاری حافظه بسیار قوی و اعجاب انگیز خود، کار حفظ قرآن را در مدت کمتر از دو سال با موفقیت به انجام رسانید.

سپس، پدرش او را به شهر طنطا و مسجد معروف احمدی برد، تا علومی مانند تفسیر، تجوید، نحو و فقه را بیاموزد. شیوه تعلیم علوم یاد شده و نیز کتاب‌های تألیف شده پیرامون آن‌ها در آن زمان، به قدری خشک و بی روح بود که کار یادگیری را برای محمد بسیار ملال آور می ساخت. بنابراین، وی پس از یک سال و نیم، بدون آن که بهره چندانی از این علوم بگیرد، مسجد احمدی را ترک کرد و به زادگاه خود مراجعت نمود. آن گاه، به قصد اقامت دائمی در آن جا و پرداختن به شغل کشاورزی، ازدواج کرد. اندکی پس از ازدواج پدرش بار دیگر، وی را به مسجد احمدی بازگرداند. محمد عبده، در راه شهر طنطا، چند روزی را در دهکده کنیه اورین اقامت کرد. در آن جا بود که با عالمی روشن بین به نام شیخ درویش آشنا شد. هم صحبتی با شیخ تأثیر فراوانی بر وی گذارد و شوق تعلیم را در وی ایجاد نمود، آن گونه که وی پس از بازگشت به مسجد احمدی، در خود اشتیاق روز افزونی نسبت به درس و بحث احساس می کرد. دروس، دیگر برای او کسالت آور نبود، به ویژه که در مدت غیبت او تغییرهایی در روش تدریس و نیز در کتاب‌های درسی داده شده بود، که باعث قابل فهم تر شدن و کاسته شدن از خشکی آن‌ها شده بود. محمد، چند ماهی را در آن جا سپری نمود. اما، محیط محدود و بسته مسجد احمدی پاسخ گوی نیازهای روح بلند پرواز محمد نبود. وی طنطا را به قصد قاهره ترک کرد، تا، در جامع ازهر ادامه تحصیل دهد. جامع ازهر نیز، اگرچه در آن روزگار به صورت سنتی سوی افرادی متعصب و قشری اداره می شد، اما در میان اساتید آن، گه گاه چهره‌های شاخصی چشم می خوردند که در شکل گیری شخصیت محمد تأثیری درخور داشتند. از آن جمله؛ شیخ حسن الطویل

بود. او، عالمی زاهد و پاک و بسیار ساده زیست بود. اما، آن چه تحول روحی اساسی در محمد عبده ایجاد نمود، ملاقات وی، با سید جمال الدین اسدآبادی بود.

در سال ۱۲۸۸ هـ. ق، سید جمال الدین اسدآبادی وارد مصر شد. وی، مردی بود بلند همت، شجاع، دارای حافظه‌ای قوی و از نظر جسمی توانمند. او، در سخن گفتن چنان چیره دست بود که هر شنونده‌ای را شیفته خود می نمود. شعار اصلی او، وحدت اسلامی و احیای عظمت از دست رفته مسلمانان بود. سید جمال، به تدریس پاره‌ای از علوم عقلی و نقلی در مصر مشغول گردید. از جمله کسانی که در حلقه درس وی حاضر می شدند محمد عبده بود. هوش و ذکاوت نیز اشتراک‌های فراوان استاد و شاگرد، باعث شد تا محمد، تبدیل به برجسته‌ترین طلبه سید جمال الدین شود. به گونه‌ای که بیش تر اوقات خود را با یک دیگر سپری می کردند. محمد عبده، در عین رفت و آمد به ازهر به تشویق سید جمال الدین، تلاش‌های علمی و اصلاح طلبانه خود را آغاز کرد و در سال ۱۲۹۰، شروع به نوشتن مقاله‌هایی جذاب و خواندنی در روزنامه‌های مصر و از جمله، روزنامه تازه تاسیس یافته «الاهرام» نمود. محور مقالات وی در این زمان، بیش تر تعلیمات و اندیشه‌های القایی سید جمال بود. محمد، در سال ۱۲۹۴، از پایان‌نامه تحصیلی خود در ازهر دفاع نمود و اندکی بعد، در دارالعلوم ازهر به تدریس مشغول شد. عضویت محمد عبده، در حزب وطنی که اسدآبادی آن را بنا نهاده بود فصلی نو در زندگی او بود. وی، به عنوان مرد شماره دوی حزب وطنی، به جذب جوانان پرشور و با استعداد مصری و نیز تعلیم فن سخنرانی به آنان پرداخت. بیدار نمودن احساسات و عواطف میهنی و آماده کردن آنان برای ورود به عرصه سیاست از جمله اقدام‌های اساسی عبده و سید جمال در حزب وطنی به شمار می آید.

فعالیت سیاسی حزب وطنی، خوشایند حکومت مصر که وابستگی زیادی به انگلستان داشت نبود. همین امر سبب شد، تا سید جمال الدین از مصر اخراج شود. عبده پس از بر کناری از سمت خود در دارالعلوم، محکوم شد و قرار شد که به زادگاه خود باز گردد. اما، او مخفیانه در حومه قاهره ماند.

در همین ایام بود که یکی از افسران ناراضی مصری، به نام عربی پاشا، نهضت سیاسی را در مصر آغاز کرد و توانست به موفقیت‌هایی نیز دست یابد. همکاری عبده با او، سبب

شد تا پس از شکست نهضت عراقی پاشا، محمد عبده نیز، دستگیر و زندانی شود و سپس به خارج از مصر تبعید گردد. وی، پس از تبعید به استادش، سید جمال الدین اسدآبادی که اینک در پاریس به سر می برد ملحق شد و در آن جا با همکاری یک دیگر مجله «عروه الوثقی» را منتشر نمودند. افشاگری و مخالفت با سیاست های استعماری انگلستان، ویژگی بارز این مجله بود. عروه الوثقی، مدت کوتاهی پس از انتشارش مورد استقبال شدید مسلمانان قرار گرفت، به طوری که حکومت های مصر و هند که تحت نفوذ انگلستان قرار داشتند ورود آن را ممنوع کرده و برای خوانندگان و نگاه دارندگان آن، جریمه های سنگین معین کردند. اعمال فشار روزافزون، بالاخره به تعطیلی مجله «عروه الوثقی» انجامید.

سید جمال به ایران رفت و محمد عبده نیز، رهسپار بیروت شد. وی، در آن جا فعالیت های سیاسی را کنار گذاشت و به کار تعلیم و تربیت پرداخته و اصلاحات دینی را دوباره از سرگرفت. کتاب شرح نهج البلاغه و نیز، شرحی بر مقامات بدیع الزمان، محصول این دوران است. اندک اندک، اوضاع سیاسی مصر تغییر نمود و عبده، امکان بازگشت به وطن را یافت. وی، بار دیگر تقاضای تدریس در دارالعلوم را نمود که با این درخواست موافقت نشد. اما، به وی اجازه دادند که در محاکم مصر، به عنوان قاضی مشغول به کار شود. در همین هنگام که شیخ مشغول قضاوت بود خدیو توفیق پاشا درگذشت و پسرش، خدیو عباس پاشا روی کار آمد.

افکار عباس پاشا، با پدرش تفاوت های فراوان داشت. او، دسته ایاز جوانان پرشور را که در نهضت عراقی پاشا شرکت داشتند - گرد خود جمع کرد. شیخ محمد عبده که موقعیت را مناسب دید - خود را به خدیو عباس نزدیک ساخت تا به وسیله وی اصلاحاتی که همواره آرزو داشت، درجامع ازهر جامه عمل بپوشاند.

خدیو عباس پاشا، او را پذیرفت و به او قول مساعدت داد. موافقت خدیو و تلاش های او، اگرچه به طور کامل موثر نیفتاد اما، وضع کلی ازهر را دگرگون ساخته و باعث شد تا بسیاری از روشنفکران بعدی از برکات این تغییرات بهره مند شوند.

محمد عبده، در عین حال به اصلاح اندیشه های دینی سایر گروه های اجتماعی مردم نیز می اندیشید و بهترین راه را جهت رسیدن به این مقصود، تفسیر درست قرآن می دانست. از این رو، به برپایی مجالس تفسیر قرآن همت گماشت.

اما، بروز چند حادثه کوچک و بزرگ، از جمله مخالفت‌های او با ادغام محاکم عادی و محاکم شرعی، و نیز مخالفت با اجرای دستور خدیو، مبنی بر اعطای «کسوت تشریف» به یکی از شیوخ ازهر، میانه عبده و عباس پاشا را برهم زد. همین مسأله، سبب شد، تا برخی مخالفان وی فرصت یافته و از راه اعتراض به فتاوی شیخ، اعتبار او را نزد مردم لکه‌دار سازند. و نیز، شاید بتواند مقام «افتاء» را از وی بستانند. گرچه شیخ از این همه گستاخی و اهانت، به شدت در رنج بود، اما عظمت روحی وی بیش از آن بود که دست از استقامت بکشد و تسلیم شود. اما، جسم وی دیگر تاب و تحمل این همه مصیبت را نداشت.

شیخ محمد عبده، کم‌کم سلامتی خود را از دست داد، تا این که در سال ۱۳۲۳ و در سن ۵۷ سالگی، بر اثر بیماری سرطان درگذشت و دنیای اسلام، یکی از عالمان خدمت‌گزار خود را از دست داد.

آثار وی عبارتند از:

۱. رساله التوحید، در شناخت خدا و معرفت نبوت و اهمیت و حقانیت اسلام.
۲. رساله الواردات، شامل دوازده بخش است، در چگونگی عالم حق و عالم خلق.
۳. حاشیه‌ای بر شرح جلال الدین دوانی، از العقائد العضدیه، با موضوع علم کلام.
۴. شرح نهج البلاغه.
۵. شرح بر مقامات بدیع الزمان.
۶. شرح بر البصائر النصیریه در فن منطق.
۷. اسلام و النصرانیه.
۸. تفسیر المنار.

معرفی تفسیر المنار

در میان آثار به جای مانده از شیخ محمد عبده، تفسیر عظیم و گران قدری وجود دارد که به نام «تفسیر المنار» شهرت یافته است. این تفسیر، به باور بسیاری از اهل فن، در شماره بهترین تفاسی ریاست که در روزگاران اخیر نوشته شده است. گرچه شیخ، توفیق نیافت که این تفسیر را به پایان برساند، اما همان مقدار از تفسیر که به انجام رسیده است می‌تواند به عنوان کلیدی برای فهم باقیمانده قرآن به کار گرفته شود.

برجسته‌ترین وجه تمایز المنار، از سایر تفاسیر، تاکید فراوان شیخ محمد عبده بر جنبه‌های هدایتی و اخلاقی قرآن است، که سعادت‌مندی در دنیا و رستگاری در آخرت بشر، برپایه آن استوار شده است. در واقع، عبده کوشیده است، تا اصلاح اخلاقی را از رهگذر اصلاحات دینی تحقق بخشد. بنابراین، در دسته‌بندی تفاسیر، المنار در شمار تفاسیر هدایتی قرار می‌گیرد.

برخی آرای تفسیری محمد عبده

عبده، در مقدمات تفسیر خود، از روش‌های گوناگون تفسیری که تا آن روزگار مورد توجه مسلمانان بوده است سخن می‌گوید.

وی نخست، به سراغ معرفی تفسیر ادبی قرآن رفته و بیان می‌دارد که در این نوع از تفسیر، مفسر می‌کوشد، امتیاز کتاب خدا را از سایر کتاب‌ها، به اعتبار فنون بلاغی و معانی برجسته به کار رفته در آن بیان کند. سپس، به شرح کوتاهی درباره تفاسیر اعرابی و تفاسیری که نمود را در قصص قرآن نصب العین خود قرار داده‌اند، می‌پردازد. در همین حال، از تفاسیر غریب القرآن سخن به میان می‌آورد، که این نوع از تفاسیر، بیش‌تر به الفاظ و لغات کمیاب که در قرآن آمده است، می‌پردازد.

گفت و گو درباره احکام القرآن، تفاسیر کلامی، تفاسیر اشاری، زمینه‌های دیگری هستند که او، در مقدمات تفسیرش به آن‌ها اشاره کرده است. ایشان در پایان تصریح دارد که مفسر باید قرآن را به اعتبار هدایتی که در آن آمده است مورد توجه قرار دهد. وی می‌گوید: نخستین قدم در تفسیر این است، که به مردم بگوئیم، مقصود از این کتاب چیست؟ یعنی، تفسیری که انجام می‌دهیم، باید هدایت را که هدف اصلی کتاب خدا است به مردم منتقل کند. زیرا، جز هدایت و اصلاح جامعه، هر هدفی، فرعی است. پس، ما باید با یک روش، جنبه‌های هدایتی این کتاب را به مردم نشان دهیم. به نظر شیخ محمد عبده، تفسیر دارای مراحل است که به طور خلاصه، عبارتند از:

۱. فهم الفاظ، یا مفردات قرآن: ممکن است الفاظی، که در قرآن به کار رفته است، با آن چیزی که در زبان مردم راه یافته است متفاوت باشد، در این مورد، باید دقت کافی به عمل آید.

۲. تحقیق در اسلوب آیات قرآنی: این مهم، با کثرت مطالعه در آثار ارباب بلاغت به دست می‌آید، و نوعی بینش خاص درباره قرآن و اسالیب آن را در مفسر، فراهم می‌آورد.

۳. آگاهی از احوال بشر: مفسر، باید از سنن الهی، درباره انسان و عوامل عزت و ذلت، ایمان و کفر انسان آگاه باشد تا از این طریق بتواند، به مقاصد قرآن کریم در هدایت آدمی پی ببرد.

۴. آگاهی از سیره پیامبر و روش اصحاب او: آگاهی از علم و عمل و تأثیر گذاری‌های، آن‌ها در امور دنیوی و اخروی

۵. آگاهی از هدایت قرآنی: مفسر، باید از احوال مردم قبل از اسلام عرب و یا غیرعرب، آگاه بوده و عوامل گمراهی آنان را بشناسد، تا به دست آورد که قرآن چگونه خلق را به سوی سعادت رهنمون شده است.

شیخ محمد عبده، از چگونگی برداشت ما از آیات قرآن گله مند بوده و تلاش دارد تا جامعه اسلامی را با مباحث ژرف و معانی بلند و روح قرآن آشنا ساخته و اندیشه‌های موهوم و خرافی را از اذهان آنان بزداید.

روش شیخ محمد عبده در المنار

شیخ، در مجالس تفسیر در ازهر، نخست، آیه‌ای را می‌خواند و سپس، با توجه به سایر آیات مشابه به شرح و بسط آن می‌پرداخت. چنانچه آیه مورد بحث، از آیات عقاید بود، باورهای بیهوده‌ای را که پیرامون آن آیه پدید آمده بود، آشکار می‌ساخت. و اگر آیه اخلاقی بود، آثار آن در اصلاح جامعه و نیز زیان‌های ترک آن را مطرح می‌کرد. در خلال مباحث تفسیری، گاه به مسائل روز جهان نیز گریز می‌زد و با شفقت و دلسوزی به اعمال و احوال مسلمانان نگریسته و تمامی آرا و اهداف اصلاحی اش را بر محور تفسیر قرآن، استوار می‌ساخت.

عبده حدود شش سال (۱۳۱۷ تا ۱۳۲۳)، مجالس تفسیر را در ازهر برپا نگه داشت. در این مدت، برجسته‌ترین شاگرد و هم‌فکر وی، یعنی، محمد رشیدرضا بود که مباحث تفسیری استاد را یادداشت کرده و آن‌ها را بر شیخ عرضه می‌کرد و ایشان تصحیح و تکمیل آن را عهده‌دار می‌شد.

اگر گفته شود که تفسیر المنار، دقیقاً، الفاظ خود عبده نیست سخنی دور از حقیقت نیست. زیرا، بیش تر، انشای معانی از شیخ بود و املائی عبارات از رشید رضا. به قول شیخ محمد عبده؛ رشیدرضا ترجمان افکار من است.

روش تفسیر عبده این بود، که به هیچ تفسیر دیگری مراجعه نمی کرد مگر در موارد نادر، که به تفسیر بسیار موجز جلالین رجوع می کرد. گاه به منابع لغوی و مربوط به صرف و نحو نیز استناد می جست. بدین ترتیب، تفسیر عبده، تا آیه ۱۲۶ سوره نساء پیش رفت. اما، بر اثر فوت استاد ناتمام ماند. سپس، رشیدرضا کار ناتمام عبده را با همان شیوه، تا آیه ۱۰۱ سوره یوسف ادامه داد. با مرگ وی، این تفسیر گران قدر ناتمام ماند. این تفسیر بزرگ، نخست، به صورت پاورقی در مجله المنار مصر به چاپ می رسید و سپس، جدا گانه چاپ شد.

آرای تفسیری عبده درباره اعجاز

اعجاز در قرآن، از جمله مباحث اساسی در علوم قرآنی به شمار می آید، که از دیرباز اذهان مفسران و محققان را به خود مشغول نموده است. اثبات این که قرآن، معجزه ای الهی است، آن قدر اهمیت دارد که در صورت ثابت نشدن این مساله، شالوده دین تهدید شده و اساساً فرو خواهد ریخت. اگرچه مساله اعجاز قرآن در عصر نبوت، از سوی شخص پیامبر به طور کامل حل و فصل شد، اما، در دوران های بعدی کسانی پیدا شدند که کوشیدند تا به این اصل اساسی خدشه وارد کنند. بنابراین، متکلمان و مفسران مسلمان وظیفه خود دیدند، تا به منظور دفاع از مبانی دین اسلام، این بحث را به طور جدی دنبال کرده و از جنبه های گوناگون آن را مورد بررسی قرار دهند. آن چه در پی می آید، بررسی وجوه گوناگون اعجاز از خلال تفسیر المنار است که بیان کننده نظرگاه های شیخ محمد عبده می باشد.

۱. تحدی

یکی از جنبه های گوناگون اعجاز قرآن، مساله تحدی است. در قرآن کریم از معاندان دعوت شده، تا برای اثبات مدعای خود، ده سوره و حتی یک سوره، همانند سوره های قرآن بیاورند. و نیز تاکید شد که هرگز آنان موفق نخواهند شد. معروف ترین آیاتی که در

این زمینه، در قرآن مجید وجود دارد، آیات ۲۳ و ۲۴ سوره مبارکه بقره است که به آیات تحدی معروف هستند.

«ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله و ادعوا شهداکم من دون الله ان کنتم صادقین» *فان لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس و الحجارة أعدت للكافرين» (بقره، ۲/۲۴-۲۳)

به تعبیر شیخ عبده، این آیه، از بارزترین نشانه‌های اعجاز قرآن بوده و دلیل آن نیز این است که در آن زمانی که اعراب در پیشرفته‌ترین دوران‌های فصاحت و بلاغت خود به سر برده و با یک دیگر در این فن به رقابت و مسابقه می‌پرداختند مردی امی و درس نخوانده سخنانی را عرضه می‌کند، که سخن هیچ یک از فصیحان و بلیغان آن دوران را یارای برابری با آن نیست. سپس، در مباحث نحوی این سخن خدای تعالی اشاره دارد: «من مثله». این عبارت، دارای دو وجه است. نخست، آن که ضمیر «ه» در مثله، متعلق به قرآن است و به «مما نزلنا» باز می‌گردد. بدین معنی که می‌فرماید، سخنی همانند قرآن بیاورید. و دیگر آن که ضمیر «ه» به «عبدنا» متعلق می‌باشد. به نظر عبده، این وجه دوم درست‌تر است. زیرا، «من» بر «مثله» وارد شده و بدین معنی است که اگر کسی از لحاظ امیت (درس نخواندن) با پیامبر، برابر بوده و بتواند یک سوره بیاورد، پس بیاورد. و هر کس را مورد اعتماد شماست، به جز خداوند دعوت کند تا برای شما شهادت داده و ادعای شما را تایید کند، همان گونه که خدا، دعوی محمد (ص) را تایید نموده است. شیخ، در ادامه، آیاتی را که دارای معانی مشترک با آیات یاد شده هستند مطابق روش تفسیر خود یاد می‌کند، که عبارتند از: «قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لایأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرا» (اسرا، ۱۷/۸۸)

و آیه «ام یقولون افتراه قل فأتوا بسورة من مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقین» (یونس، ۱۰/۳۸)

و بالاخره، آیه «ام یقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتريات و ادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقین» (هود، ۱۱/۱۳)

این سه سوره، در مکه و پشت سر هم نازل شده‌اند. اگرچه برخی دانشمندان، در مکی بودن سوره یونس شک کرده و آن را مدنی دانسته‌اند، اما سبک سوره، هم خوانی با سور

مکی دارد. به نظر برخی دانشمندان، خداوند نخست، مردم را با همه قرآن در سوره اسراء به مبارزه طلبید. و سپس با ده سوره، مثل آن و سپس، با یک سوره (در سوره هود و بقره). اگر از تاریخ و ترتیب نزول کمک بگیریم، این ترتیب کاملاً معقول و منطقی خواهد بود.

۲. اخبار از غیب

خبر دادن از وقایعی در آینده و یا حتی گذشته که درستی آن‌ها به اثبات رسیده باشد نیز از جمله نظریه‌هایی است که در بحث اعجاز قرآن وجود دارد. همان طوری که گذشت، اخبار از غیب، منحصر به خبر دادن از آینده نبوده و به اخبار از گذشته نیز مربوط می‌شود. چنانچه گفته شد، قرآن بر کسی نازل شد که درس ناخوانده بود و قومش اطلاعی از داستان‌های پیامبران و اقوام آنان نداشتند. بنابراین، ذکر سرگذشت اقوام پیشین در قرآن را می‌توان، به نوعی خبر دادن از غیب به شمار آورد. به عنوان مثال، در سوره هود و در داستان نوح می‌فرماید:

«تلك من أنباء الغيب نوحيها اليك ما كنت تعلمها أنت و لا قومك من قبل هذا فاصبر ان العاقبة للمتقين» (هود، ۴۹/۱۱)

در سوره قصص، پس از داستان موسی (ع) می‌فرماید:

«و ما كنت بجانب الغربي اذ قضينا الى موسى الأمر و ما كنت من الشاهدين» (قصص، ۴۴/۲۸)

و نیز در سوره آل عمران، بعد از داستان مریم (س) می‌فرماید:

«ذلك من أنباء الغيب نوحيه اليك» (آل عمران، ۴۴/۳)

چکیده آن‌چه گفته شد، این است که با در نظر داشتن امی بودن پیامبر و این که تا قبل از بعثت، هیچ نوعی از انواع دانش، در دسترس پیامبر نبوده، و نیز بی اطلاعی اعراب جاهلی از داستان‌ها یا قوام گذشته، به دست می‌آید که اخبار از گذشته (غیب)، وجهی دیگر از وجوه اعجاز قرآن است.

اشکالی که در این جا وارد شده، آن است که این داستان‌ها، در کتب عهدین نیز آمده بود. این درحالی است که شمار بسیاری از ساکنان مدینه را یهودیان و نصرانیان تشکیل می‌دادند. پس، این داستان‌ها نزد آنان اخبار از غیب نبود و در این مورد، می‌توان گفت که آیه تحدی که در سوره بقره آمده، اخبار از غیب نیست. بلکه آنان را به آوردن یک سوره، از

سوی کسی که با پیامبر از لحاظ امی بودن برابر باشد به مبارزه خوانده است .

۳. اعجاز در بلاغت و اسلوب

عبده، در باره آیه «ام یقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتریات و ادعوا من استطعتم من دون الله ان کتتم صادقین» (هود، ۱۱/۱۳)، این گونه می گوید: و شاید منظور از تحدی، با ده سوره ساختگی (مفتریات)، به جای یک سوره، گونه ای خاص از اعجاز بوده و آن عبارت است از آوردن خبری واحد و یکسان، با اسلوب های گوناگون، که از نظر بلاغت و رفع شبهه از اذهان، با یک دیگر برابر بوده و بعضی از مردم، از آن به عنوان اعجاز در بلاغت و اسلوب یاد کرده اند. بدین صورت، که جمله و یا سوره ای را که مشتمل بر داستانی می باشد می توان با عبارت های گوناگون بیان نمود، که همگی معنا را برسانند. اما، به ناچار یکی از این جملات، جمله ای است که از نظر زیبایی بیان و خالی بودن از عیوب لفظی و معنوی (عیوبی که به فهم و یا به تأثیر مطلوب آن خلل وارد می سازد)، در اوج و نهایت قرار دارد. و هر کس که زودتر به این جمله دست یافته و آن را عرضه کند، در حقیقت، دیگران را از رسیدن به آن ناتوان ساخته است. زیرا، ساختار زبان چنین اجازه ای را نمی دهد. و از جمله مثال های قرآنی که در تفسیر المنار آمده است این آیه است:

«وقال رجل مومن من آل فرعون یکتّم ایمانه ائقتلون رجلاً أن یقول ربی الله...» (غافر، ۴۰/۲۸)

در این باره گفته شده است، که این جمله، با تاخیر و تقدیم اجزاء، چندگونه ساختار را می پذیرد. اما، آیه یاد شده فصیح ترین و بلیغ ترین آن هاست.

قرآن کریم، بعضی از قصص و معانی را، با عبارت هایی که در اسلوب و نظم به لحاظ کوتاهی و بلندی با یک دیگر اختلاف دارند می آورد. این نوع از مبارزه طلبی، در یک قصه ساختگی ممکن نیست. پس، همان گونه که می بینیم، آن ها را به آوردن ده سوره ساختگی دعوت کرده و در حقیقت دست آنان را باز می گذارد. اما، این سور، باید به لحاظ جنبه های هدایتی و بلاغتی، سبک، شامل بودن بر پند و اندرز و الگوی نیک (اسوه حسنه)، که براساس تعلیم و تربیت تعیین می شود، مانند سوره های قرآن باشد. گویی، خداوند می فرماید، که من آن چه اخبار از غیب بوده و در سوره های داستانی قرآن آمده، کنار می گذارم و از شما می خواهم، ده سوره داستانی، مانند سوره های قرآن بیاورید که

موضوعات آن دروغین باشد، اما، از نظر اسلوب و بلاغت و ساختار و مفهوم، همانند سوره‌های قرآن باشد. اگر، موفق شدید، من اعتراف می‌کنم، که پیامبر امی، در برابر شما شکست خورده است. حاصل آن که، - همان گونه که شیخ محمد عبده اشاره کرده است انتخاب کلمات و واژه‌گزینی در عبارات قرآنی و نیز، چگونگی چینش کلمات و عبارات در کنار یک دیگر، به گونه‌ای است که اگر کلمه‌ای را جایگزین کلمه‌ای سازیم، تمامی ویژگی‌های کلمه اصلی را نداشته و از نظر بلاغت و اسلوب، به شدت لطمه خورده و از نظر معنایی، نیز مختل خواهد شد.

۴. نظریه صرفه

یکی دیگر از نظریه‌های در باب وجوه اعجاز قرآن، نظریه صرفه است. یعنی، هرگاه فردی از معاندان درصدد برآید، تا سخنانی همانند قرآن بیاورد، با اراده الهی، انگیزه و یا داعیه از آن فرد برگردانده شده و آن شخص، قهرا از اهتمام به آن عمل ممنوع و منصرف می‌گردد. شیخ محمد عبده، نظریه صرفه را رد کرده و چنین می‌گوید:

این نظریه، مخصوص افراد تنبل و سستی است که دوست دارند خود را از زحمت بحث، تحقیق و تفکیر، در این مساله آسوده ساخته و معجزه بودن قرآن را، امری خارج از قرآن بدانند.

۵. نظم قرآن

یکی دیگر از تئوری‌های مطرح شده، در مبحث اعجاز قرآن، نظریه نظم قرآن است. این نظریه، برعکس نظریه صرفه، مبنی بر این است که قرآن به خودی خود، کلامی است اعجاز آمیز، و نظم و تالیف قرآن، با سایر آثار بشری تفاوت دارد. یعنی، که بشر به طور طبیعی، از آوردن کلامی مثل قرآن ناتوان است. شیخ محمد عبده، درباره این تئوری چنین می‌گوید:

این جنبه از اعجاز قرآن، عبارت است از اشتغال آن بر نظمی غریب و وزنی عجیب و روشی خاص، که با تمامی آن چه که بلغای عرب تاکنون استنباط کرده‌اند متفاوت است. آنان، نظم سخن را به دو گروه محدود کرده‌اند؛ نخست، نثر که خود به بخش‌های مرسل و مسجع تقسیم می‌شود. دوم: نظم، که به قصیده و رجز تقسیم می‌گردد. (در نهایت ۴ گونه می‌شود). اما، نظم و سبک قرآن را، نمی‌توان در هیچ یک از گروه‌های یاد شده جای

داد و از آن‌ها به حساب آورد. ولیدبن مغیره که از دشمنان سرسخت پیامبر است آن‌گاه که با آیات قرآن رو به رو می‌شود، می‌گوید: به خدا سوگند، در میان عرب هیچ کس نسبت به شعر، از من داناتر نیست، نه به رجز و نه به قصیده و نه به اشعار جنی. و به خدا سوگند، آن‌چه او (محمد ص) می‌گوید، به هیچ یک از آن‌ها همانند نبوده و در سخن او، شیرینی خاصی وجود دارد. و چون، از ارائه هر گونه تعریف درباره ساختار قرآن ناتوان می‌شود، قرآن را گونه‌ای سحر تاثیرگذار می‌نامد.

عبد، در ادامه می‌افزاید: و به همین دلیل، خدای متعال می‌فرماید:

«ذرنی و من خلقت وحیداً» (المدثر، ۱۱/۷۴)

و سوگند می‌خورم که مساله نظم قرآن، یکی از امور بزرگ و نیز عجیب‌ترین عجایب است برای آنان که تفکر کرده و بنگرند. و اگرچه درباره آن بسیار سخن گفته‌اند، اما، هیچ یک حق آن را ادا نکرده‌اند. این نظم، به یک روش و یک اسلوب واحد نیست، بلکه، صد گونه و حتی بیش تر است. قرآن، شامل ۱۱۴ سوره است، که در کوتاهی و بلندی با هم تفاوت دارند. از هفت سوره بلند که هر یک، بیش از یک صد آیه و یا دویست آیه دارند تا سوره‌های متوسط و کوتاه، که گاه شامل سه آیه یا بیش تر می‌شود و با هنگامی که ترتیل خوانده می‌شود، شبیه آواز بوده و به درک موثر معانی آن کمک می‌کنند.

با این که آیات، در فواصل و نیز کوتاهی و بلندی متفاوت بوده و از لحاظ نظم همانندی با هم ندارند اما، همه آن‌ها در ترکیب مفاهیم بلند، از صفات خدای متعال، نام‌های نیک او، آیات او در آفاق و انفس، پندها و اندرزها و امثال همانند هم می‌باشند. اگر، کسی بگوید که اختلاف اسلوب و نظم، اعجاز به حساب نیامده و شاعران نویسندگان نیز هر کدام، اسلوبی خاص دارند، می‌گوییم، هر قدر که منظومه‌های شاعران متفاوت شد، باز از محور شعر منقول از گذشتگان، خارج نمی‌شود. و هر قدر که خطبه‌های خطیبان و کتاب‌های نویسندگان متفاوت باشد، باز از انواع چهارگانه کلام که در آغاز درباره آن‌ها سخن رانده شد، بیرون نیست.

۶. اعجاز قرآن، به سبب تأثیر آن، در دل‌ها و عقل‌ها

محمد عبده، درباره این وجه از اعجاز می‌گوید: هیچ کلامی در تاریخ بشر شناخته نشده که تأثیری همانند تأثیر قرآن در قلوب و عقول داشته باشد. این، کلامی است که عادات و طبایع امت عرب را، دگرگون کرده و از عقاید و تقالید گذشته دورشان ساخته است. از امت جاهلی، یک امت با ادب و حلیم ساخت، و از قبایل پراکنده، یک امت واحد ساخت که عقاید و فضل و عدل و تمدن و علوم و فنون را در سراسر عالم پراکنده ساخت. به کمک این نوع اعجاز، بعضی از حکیمان اروپا هدایت شده‌اند. این وجه از اعجاز را، در پاسخ گویی به مسیحیانی که می‌گفتند: محمد، فاقد معجزه‌های عیسی و موسی است، این‌گونه استدلال می‌کردند، که محمد وقتی با حالت خشوع و خضوع، قرآن را تلاوت می‌کرد، در جذب دل‌ها به ایمان، موفق‌تر از تمامی معجزه‌های پیامبران پیشین عمل می‌کرد.^۱

۷. اعجاز قرآن در سلامت آن، در اختلاف

بنا به رأی شیخ محمد عبده، وجه دیگری از اعجاز قرآن، برخلاف کلام بشری، خالی بودن آن از تناقض و اختلاف است. مراد از فرموده خداوند، در این آیه نیز، همین است: «ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافًا كثيرًا» (النساء، ۷۲/۴)؛ اگر (این قرآن) از جانب کسی غیر از خدا بود، بی‌شک در آن تناقض بسیاری می‌یافتید.

در همه دوران‌ها دیده می‌شود، که دانشمندانی اقدام به تألیف و چاپ کتاب‌هایی می‌کنند. اما، پس از مدتی، اقدام در جهت اصلاح مطالب همان کتاب، از لحاظ لفظ و معنا داشته و آن را دوباره به چاپ می‌رسانند. چه بسا، برخی مطالب را که قبلاً به عنوان نظر قطعی ابراز کرده بودند به کلی تغییر داده، و یا به جرح و تعدیل در آن‌ها می‌پردازند. این از ویژگی‌های کلام و اندیشه بشری است.

اما، در سخن خدای تعالی، تعارض وجود ندارد. بعضی از سخن خداوند، تفسیر کننده بعضی دیگر بوده و برخی شاهد و دلیل آیات دیگر می‌باشند. چنانچه، تعارضی در این میان به چشم آید، معمولاً، به دلیل دقت نداشتن و یا کج فهمی ماست، نه از تعارض در آیات الهی.

به نظر شیخ محمد عبده، این گونه اعجاز در سوره‌های بلند قرآن، ظهور یافته و به ثبوت رسیده و سوره‌های کوچک قرآن، این وجه از اعجاز را ندارند.

۸. اعجاز قرآن، در قانون گذاری و علوم دینی

وجهی دیگر از وجوه اعجاز قرآن، اشتغال آن بر دانش الهیات، اصول عقاید، احکام عبادی و قوانین مربوط به آداب و فضائل اخلاقی است. هم چنین، قرآن کریم در مسائل سیاسی، اجتماعی و مدنی نیز، قانون گذاری کرده که برای هر زمان و مکانی، مناسب و قابل اجرا است. این، یکی از دلایل برتری قرآن، بر تمامی کتب آسمانی پیش از خود بوده و تمامی دانشمندان منصف و بی غرض، از مسلمان و غیر مسلمان، از شرق و غرب عالم و حتی دشمنان اسلام بر این برتری، گواهی می دهند. به عنوان مثال، یکی از سیاستمداران انگلیسی، به نام لرد کرامر، نماینده دولت بریتانیا در مصر، در گزارش اخیرش آورده است: قوانین دینی اسلام، سبب موفقیت مصر شده است. اما، در زمینه قوانین اجتماعی و سیاسی، موفقیتی نداشته است. زیرا، این قوانین مربوط به ۱۰۰۰ سال پیش است. من (عبده) به او نامه ای نگاشته و از او سؤال کردم، منظور شما از این قوانین، کتاب و سنت الهی است و یا قوانینی است که فقیهان وضع نموده و دیدگاه‌های خود را نیز با آن آمیخته اند؟ و خود نیز، در بعضی از آن‌ها با یک دیگر اختلاف دارند؟ اگر، منظور شما، کتاب و سنت الهی است، من آماده پاسخ گویی به شبهات شما هستم. وی، در جواب من نامه ای نوشت و اظهار کرد: منظور من، دین اسلام فی نفسه نبود، بلکه، منظورم برخی قوانین فقهی بود که عالمان وضع کرده اند.

بدون شک، این وجه از بارزترین وجوه اعجاز قرآن بوده و این علوم که یاد شد، برترین دانش‌ها هستند. کسانی که به خود جرات دهند، تا وارد عرصه یادگیری این علوم گشته و عمر خود را در این راه صرف کنند، اندک هستند. پس، چگونه امکان دارد که یک فرد درس ناخوانده، که دو سوم از عمرش سپری شده است - بدون آن که هیچ دانشی نزد وی یافت شود - توان ارائه چنین قوانین کامل و براهینی روشن را داشته باشد؟ مگر آن که همه این‌ها، وحی از جانب خداوند تعالی باشد.

۹. عجز زمان، در ابطال چیزی از قرآن

«در بیان یکی دیگر از وجوه اعجاز این کتاب مقدس، شیخ محمد عبده، چنین می گوید: قرآن، تبیین کننده بسیاری از نشانه های خداوند، در تمامی آفریده ها از جمادات، گیاهان، حیوان و انسان است. این کتاب الهی، هم چنین، توصیف کننده چگونگی آفرینش آسمان ها، خورشید، ماه و ستارگان است. و نیز، درباره زمین و هوا و ابر و آب دریاها و رودخانه ها و چشمه ها سخن گفته است. و در آن، سرگذشت بسیاری از امت های پیشین آمده است. همه این اطلاعات، در ازای سیزده سده و نیم، با کلمات و حروفش بدون هیچ تغییری در این کتاب حفظ شده است. پیشرفت علم و دانش، در سده های اخیر نیز، هرگز نتوانسته یک آیه از آن و یا یکی از احکام آن را نقض کرده و یا بطلان یک خبر از اخبار آن را به اثبات برساند. در واقع، این قرآن بود که شرایع امت های گذشته را منسوخ نمود، فلسفه یونان را ویران کرد، و دانش های اولیه بشر را زیر و رو ساخت، و برای تاریخ فلسفه ای جدید قرار داد. و این گونه اعجاز، با آن چه که در بحث سلامت از اختلاف آمده است، متفاوت است.»

۱۰. اعجاز، به وسیله روشن نمودن مسائلی که برای بشر مجهول بود

قرآن روشن گر بسیاری از مسائل علمی تاریخی است، که در زمان نزول آن ناشناخته بود و بعدها، به وسیله اکتشاف های جویندگان و محققان در علوم طبیعی و تاریخ بشر، این حقایق روشن شد. این بحث، مرتبه ای بالاتر از آن چه می باشد که در باره عدم نقض، در قرآن یاد کردیم. در این جا، به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

خداوند می فرماید: «و ارسلنا الرياح لواقح» (الحجر، ۲۲/۱۵)

درباره این آیه، گفته می شود که اثرگذاری بادهای سرد در ابرها را - که به بارش باران می انجامد به جفت گیری حیوان های نر و ماده همانند ساخته است. و هنگامی که دانشمندان اروپایی، به این حقیقت دست یافتند، پنداشتند که کسی پیش از آن ها به این واقعیت نرسیده بود. برخی از آن ها که از قرآن اطلاع داشتند تصریح کردند که اعراب زودتر، موفق به تحصیل این دانش شدند. از آن جمله، «مستر اخبیری»، استاد زبان عربی دانشگاه

آکسفورد گفته است که شترچران‌ها سیزده سده زودتر از ما فهمیدند که بادهای درختان را بارور می‌سازد. آری، اعراب با دستان خود، عمل لقاح بین نخل‌های نر و ماده انجام می‌دادند. اما، نمی‌دانستند که باد نیز این عمل را انجام می‌دهد. بسیاری از مفسران هم که این حقیقت را در نیافته‌اند آن را حمل بر مجاز کرده‌اند.

و نیز، خدای تعالی می‌فرماید: «والارض مددناها والقینا فیها رواسی وانبتنا فیها من کل شیء موزون» (الحجر، ۱۵/۱۹)

این آیه، به لحاظ آوردن کلمه «موزون»، بسیار شگفت‌انگیز است. زیرا، دانشمندان متخصص در علم شیمی و گیاه‌شناسی ثابت کرده‌اند، که میزان عناصر گوناگون تشکیل دهنده گیاهان، به دقیق‌ترین صورت، معین شده‌اند؛ حتی در حدود یک دهم و یا یک صدم گرم.

تحقیق در مسائل علمی، چیزی به این صورت، در دوران گذشته به ذهن بشر خطور نکرده بود. بنابراین، دقت قرآن در بیان مسائل علمی، جز معجزه نمی‌تواند باشد.

نتیجه‌گیری

از مطالعه آرا و نظریه‌های شیخ محمد عبده، درباره تفسیر و نیز بحث اعجاز، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. از تفاسیر مفسران پیشین انتقاد کرده و می‌گوید: آنان از مقصود اولیه قرآن، یعنی کسب هدایت و ارشاد غفلت ورزیده و به سرگرمی‌هایی، چون وجوه گوناگون نحو و بلاغت و اختلاف‌های فقهی و کلامی مشغول شده‌اند.
۲. تأکید فراوان وی، بر جنبه‌های هدایتی قرآن و نگرش انقلابی او و این که قرآن و احکام آن را باید در متن زندگی اجتماعی مردم، جاری نمود، تفسیر او را، در شمار تفاسیر هدایتی و انقلابی و اجتماعی قرار می‌دهد.
۳. در بخش اعجاز قرآن، مهم‌ترین وجه اعجاز را امیت پیامبر دانسته و همواره بر آن تأکید دارد.
۴. به اصل صرفه، اعتقادی نداشته و آن را محصول افکار تنبل و کسل می‌داند.

۱- جهت اطلاعات بیشتر، رجوع کنید، به کتاب «نمونه‌هایی از تاثیر و نفوذ قرآن»، استاد علی کریمی جهرمی.